«شرق» از روند تغییر فاز دیپلماسی منطقه‌ای ایران و تداوم بازخوردهای مثبت به آن در سایر کشورها گزارش می‌دهد

بحرین روی خط آشتی

شرق: از زمان سفر گروسی به تهران و توافق با آژانس روند تحولات قدری مثبت شده و پویایی و تحرک به سیاست خارجی کشور بازگشته است. با توجه به روند اتفاقات مثبتی که در سایه توافق سه‌جانبه ظهر جمعه برای ازسرگیری مناسبات تهران و ریاض شکل گرفت و حجم کم‌سابقه‌ای از واکنش‌ها و استقبال کشورهای منطقه و جهان از این توافق، اکنون بستر و فضا برای احیای روابط معدود بازیگران باقی‌مانده در جهت احیای روابط هم فراهم شده است. در تازه‌ترین خبر بحرین هم تمایل به ازسرگیری روابط با ایران دارد؛ این موضوعی بود که در دیدار روز شنبه دو هیئت پارلمانی ایران و بحرین در حاشیه نشست صدوچهل‌وششم اتحادیه بین‌المجالس جهانی در منامه مطرح شد.

رئیس هیئت پارلمانی مجلس شورای اسلامی در دیدار با رئیس مجلس بحرین تأکید کرد که «جمهوری اسلامی ایران همواره رویکرد مثبت در همکاری با کشورهای منطقه دارد و از گسترش سطح روابط پارلمانی و تبادل هیئت‌ها استقبال می‌کند». آن‌گونه که خبرگزاری خانه ملت گزارش داده است مجتبی رضاخواه، رئیس شورای بین‌المجالس مجلس شورای اسلامی و هیئت همراه در حاشیه نشست صدوچهل‌وششم اتحادیه بین‌المجالس جهانی در منامه روز شنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ با احمد بن سلمان المسلم، رئیس مجلس بحرین، دیدار و گفت‌وگو کردند.

احمد بن سلمان المسلم، رئیس مجلس بحرین نیز در ادامه ضمن استقبال از حضور و مشارکت هیئت ایرانی در اجلاس صدوچهل‌وششم IPU به میزبانی منامه، خواستار گسترش روابط دو کشور در سطوح مختلف دولتی و پارلمانی شد. المسلم افزود: «بالابردن سطح روابط دوجانبه و رفع جدی موانع موجود از برنامه‌های اصلی ما در پارلمان است». این مقام سیاسی در ادامه عنوان کرد که مجلس بحرین هم‌راستا با دولت، خواهان ارتقای روابط دوجانبه است و در ابتدای امر ما خواستار بازگشایی خطوط هواپیمایی میان دو کشور (منامه به مشهد - شیراز و تهران) هستیم. در این دیدار عباس گلرو (دبیر کل شورای بین‌المجالس)، ابوالفضل عمویی، روح‌الله متفکر آزاد و الهام آزاد نیز با سایر نمایندگان مجلس بحرین به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

در کنار این اتفاقات مثبت، دیروز (یکشنبه) حسین امیرعبداللهیان هم از حصول توافقی با آمریکا درخصوص تبادل زندانیان دوتابعیتی گفت. وزیر امور خارجه در بخشی از گفت‌وگوی تلویزیونی خود گفت که «تبادل پیام‌ها همچنان در گفت‌وگوهای لغو تحریم‌ها در جریان است و در موضوع تبادل زندانیان به یک توافق در روزهای اخیر دست یافتیم و اگر همه چیز از طرف آمریکا خوب پیش برود، در روزهای آینده انجام خواهد شد». امیرعبداللهیان ادامه داد: «ما این پرونده را یک پرونده کاملا انسانی می‌دانیم. از مارس سال گذشته در این رابطه سندی بین ما و طرف آمریکایی به طور غیرمستقیم به امضا و تأیید رسید اما زمینه اجرای آن اکنون فراهم شده است. از نظر ما همه‌چیز آماده است. طرف آمریکایی در حال هماهنگی‌های فنی خودش قرار دارد». البته ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا حصول توافق برای تبادل زندانیان را رد کرده است. امیرعبداللهیان همچنین درباره مذاکرات لغو تحریم‌ها در وین که با وقفه‌ای چندماهه روبه‌روست، گفت: «ما معتقد هستیم که جمع‌بندی گفت‌وگو برای لغو تحریم‌ها در دسترس است. رفع اتهام بی‌اساس از ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک مسئله مهم و یکی از خطوط قرمز ماست». او افزود: «در سفر اخیر آقای رافائل گروسی به تهران پیشرفت خوبی حاصل شد. الان همکاری نیرومندی بین سازمان انرژی اتمی ما و آژانس جریان دارد که نتیجه این همکاری تأثیر خیلی خوبی در جمع‌بندی مذاکرات خواهد داشت».

وزیر امور خارجه بیان کرد: «من به عنوان مسئول دستگاه دیپلماسی در ارسال پیام‌ها هم به مقامات آمریکایی گفته‌ام. مقامات آمریکایی در اتخاذ تصمیم نهایی جرئت و جسارت لازم را تاکنون نتوانسته‌اند از خود به نمایش بگذارند، در حالی که طرف ایرانی با عقلانیت، با ابتکار و با شجاعت، خیلی شفاف در میز مذاکره غیرمستقیم ایده‌های رو به جلو را مطرح کرده است. من فکر می‌کنم زمینه خوبی با توجه به آنچه گذشته است، برای رسیدن به جمع‌بندی گفت‌وگوهای طولانی ماه‌های گذشته وجود دارد. ما در مسیر دیپلماسی و مذاکره به خوبی قرار داریم و امیدواریم هرچه زودتر نتیجه‌ای که مطلوب است با رعایت کامل منافع ملت‌مان حاصل شود».

آنچه در این دو هفته گذشت، رویکردهای مثبتی را در حوزه دیپلماتیک به جای گذاشته است. در این راستا طیفی از تحلیلگران که تا پیش از این چندان به آینده خوش‌بین نبودند، اکنون این ارزیابی البته نسبی را دارند که در بستر همین چند اتفاق مثبت، تهران می‌تواند رویکرد دیپلماسی سفیدش را به سه موضوع فوق هم تعمیم دهد تا عملا بن‌بست در سیاست خارجی کشور به حاشیه برود. در همین باره پرویز شاکری با مثبت ارزیابی‌کردن روند تحولات دو هفته اخیر به «شرق» می‌گوید که این روند، روندی بود که از ابتدای دولت سیزدهم جای خالی آن احساس می‌شد؛ روندی که تقریبا تمام تحلیلگران و دلسوزان ایران آن را گوشزد می‌کردند. اکنون که به باور این تحلیلگر، دولت رئیسی و در کل تهران دست به انجام توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و عربستان سعودی زده است، می‌تواند به موضوعات مهم‌تر ورود کند که یکی از آنها به موضوع جنگ اوکراین بازمی‌گردد. چراکه این مفسر حوزه سیاست خارجی تأکید دارد که تهران باید از فضای مثبت کنونی نهایت استفاده را ببرد و رفتار خود را پیرامون جنگ اوکراین تصحیح کند تا در سایه این دیپلماسی مثبت از هزینه‌ها و اصطکاک پیش‌آمده بکاهد.

شاکری در ادامه ارزیابی خود از روند مثبت دیپلماسی ایران طی دو هفته گذشته به موضوع اثرگذاری این روند بر فضای روانی بازار در داخل کشور هم گریزی می‌زند و یادآور می‌شود که دلار طی ۷۲ ساعت گذشته سقوط قیمتی نزدیک به هشت هزار تومان را تجربه کرده است. همین تقویت ارزش پول ملی نشان می‌دهد که برخلاف آنچه دولت سیزدهم بر آن تأکید و اصرار دارد، سیاست خارجی و اقتصاد بر هم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌گیرند. ازاین‌رو تحلیلگر مسائل بین‌الملل اعتقاد دارد برای اینکه تبعات مثبت دیپلماسی منطقه‌ای و روند طی‌شده در دو هفته گذشته به شکل جدی‌تری بر اقتصاد اثرگذار باشد، باید این روند تداوم و تشدید پیدا کند.

التـه شاکری نقبی هم به برخی آسیب‌شناسی‌ها در حوزه سیاست داخلی می‌زند و در تبیین آن به «شرق» می‌گوید: «در این شرایط ملتهب و حساس نباید برخی موضوعات جناحی و حزبی را بیش از حد بزرگ کرد یا عنوان داشت که به دلیل مشکلات داخلی در ابعاد و حوزه‌های مختلف اکنون وزن و توان دیپلماتیک ایران کاهش پیدا کرده است و دولت رئیسی از سر ناچاری توافقات را با آژانس و عربستان پذیرفته است».

از نگاه این کارشناس چنین ادبیاتی هیچ کمکی به برون‌رفت کشور از نابسامانی نمی‌کند. ضمن آنکه او رویکرد مثبت تحولات طی دو هفته گذشته را باعث تقویت وزن و توان چانه‌زنی دیپلماتیک ایران می‌داند. این کارشناس با ذکر این هشدار که نباید در سایه بازگشت به دوقطبی سیاسی و جولان‌دادن به برخی جریان‌های رادیکال اجازه دهیم این روند دچار آسیب شود، تأکید دارد که از این به بعد باید رسانه‌ها، سیاست‌مداران و... برای تحقق منافع، مصالح و امنیت ملی نهایت دقت و هوشمندی را در موضع‌گیری‌های خود پیرامون تحولات در منطقه و جهان داشته باشند، چراکه شاکری تأکید دارد وضعیت مثبت دو هفته اخیر کاملا شکننده است و کوچک‌ترین موضع‌گیری نسنجیده یا وقوع اتفاق، رویداد و سوء محاسبه‌ای از سوی تهران می‌تواند همه‌چیز را به نقطه صفر بازگرداند.

نیم‌نگاهی تحلیلی به حواشی احتمالی توافق ایران با چین

چند برش از یک اتفاق تاریخی

عبدالرحمن فتح الهی: با بمب خبری‌ای که ظهر جمعه به‌دلیل توافق سه‌جانبه ایران، چین و عربستان برای احیای روابط تهران - ریاض منفجر شد، هنوز فضای سیاسی، رسانه‌ای و دیپلماتیک در نوعی شوک و غافلگیری به سر می‌برد. دراین‌میان برخی رسانه‌های رادیکال هم با موج‌سواری و سوءاستفاده از فضای مثبت توافق دوباره برخوردهای سیاسی را چاشنی موضوع کرده و از هنر دولت رئیسی و بی‌هنری دولت روحانی برای ازسرگرفتن روابطی می‌گویند که برخی همسویان همان رسانه‌ها هفت سال پیش با حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در تهران و مشهد آن را قطع کرده بودند. اگرچه ظاهرا برخی لیدرهای همان حمله شبانه اکنون در موقعیت‌های مناسبی حضور دارند؛ اما دوستان سیاسی آنها بدون توجه به آنکه چه جریان و چه افرادی باعث این خسارت شدند، در فرار رو به جلو نعل وارونه می‌زنند.

ناگفته نماند این رسانه‌ها که سیاست خارجی را پارامتر بی‌تأثیری در فضای اقتصادی کشور می‌بینند، کافی است به سیر نزولی قیمت ارز در بازار نگاهی بیندازند. تنها طی روز شنبه افت حدود پنج هزارتومانی دلار گواه آن است که دیپلماسی، مذاکره، توافق و... تا چه حد می‌تواند آثار روانی مثبتی برای اقتصاد و به تبع آن معیشت داشته باشد؛ چنان‌که سفر گروسی و توافق تهران با آژانس هم همین تأثیر مشابه را داشت. اگرچه این تأثیرات روانی اگر به مرحله عمل نرسند موقت هستند؛ اما در روند معکوس اتفاقات و اخبار منفی حوزه سیاست خارجی تأثیرات مخرب دائمی‌تری را خواهند داشت.

حال چرا این واقعیات از سوی طیفی از جریان‌های سیاسی و رسانه‌ها به طور کلی انکار می‌شود؟ چرا آنهایی که به سفارت عربستان حمله کردند، الان سکوت کرده‌اند؟ چرا تجمع اعتراضی برگزار نمی‌کنند؟ چرا از دولت رئیسی برای این توافق انتقاد نمی‌کنند؟ و جواب انبوهی از این چراها به موازات تاوان و خسارت‌های هفت‌ساله مواضع و اقدامات این افراد به منافع و امنیت ملی و دیگر فشارهایی که تنها بر دوش مردم بوده است، می‌تواند آزمونی بزرگ برای پرهیز از اقدامات مشابه و ترویج گفت‌وگو و بسط تعامل، آشتی و صلح در حوزه دیپلماتیک باشد. از این حواشی که بگذریم، هرچند این توافق یک اتفاق مثبت ارزیابی می‌شود که ارزش‌های دیپلماتیک آن را نمی‌شود انکار کرد اما در مقام تحلیل و واکاوی سؤالات درباره این توافق به ظاهر ناگهانی هم مطرح است؛ اینکه چرا در فضای فشار و تحریم علیه ایران، عربستان سعودی به سمت ازسرگیری روابطش با تهران رفت؟ از همه مهم‌تر آیا در این بازه دوماهه در توافق، برای بازگشایی سفارتخانه‌ها زمانی تعیین شده و امکان دارد اتفاق یا رویدای کل توافق را مختل کند؟ از زمان انتشار خبر توافق شاهد واکنش‌های گسترده‌ای از سوی کشورهای منطقه و جهان بودیم و به جز اسرائیل همه از این توافق استقبال کرده‌اند. پیرو این نکته تل‌آویو در راستای تقابل با ایران تا چه حد می‌تواند از اجرائی‌شدن توافق فوق جلوگیری کند؟ چرا تلاش‌های چندساله عراق و عمان برای احیای روابط ایران و عربستان جواب نداد درحالی‌که تحرکات پنج‌روزه چینی منجر به توافق برای ازسرگیری مناسبات تهران - ریاض شد؟ سؤال کلیدی دیگر آن است که آیا ایالات متحده آگاهانه مسیر بازیگری چین را باز گذاشت و آیا به سعودی‌ها برای توافق فوق چراغ سبز نشان داد؟ اگر این‌گونه است، دلیل این رفتار آمریکایی‌ها را چگونه باید تحلیل کرد؟ آیا پکن رسما به رقیب جدی واشنگتن در منطقه غرب آسیا بدل شده است؟

پای جنگ یمن در میان است؟

با امضای توافق سه‌جانبه برای احیای روابط ایران و عربستان، برخی تحلیلگران و ناظران نیم‌نگاه جدی به نیاز عربستان برای استفاده از کارت بازی تهران با هدف فشار به حوثی‌ها و انصارالله دارند. از این منظر می‌توان این احتمال تحلیلی را مطرح کرد که ریاض و حتی واشنگتن برای پایان‌دادن به جنگ یمن که ششم فروردین ماه سال آتی وارد نهمین سالگرد خود می‌شود، سعی کرده‌اند توافق ازسرگیری مناسبات با ایران را امضا کنند. این گزاره زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که برخی اخبار حکایت از نقشه راه عربستان برای استفاده از مهره چین، روسیه و ایران در پایان‌دادن به جنگ یمن دارد.

در این راستا خبرگزاری آسوشیتدپرس (۲۷ دی/ ۱۷ ژانویه) در گزارشی از آغاز مذاکرات محرمانه عربستان سعودی و انصارالله یمن خبر داد و مدعی شد که عربستان نقشه راهی برای پایان جنگ در یمن ارائه داده است. یک دیپلمات سعودی در گفت‌وگو با این خبرگزاری آمریکایی به نکته مهمی اشاره کرد. این فرد که نامش فاش نشد، اذعان کرد که عربستان سعودی با طرح ادعایی از چین و روسیه خواسته است بر ایران و حوثی‌ها به منظور پرهیز از تشدید تنش‌ها فشار بیاورند.

او همچنین مدعی شد ایران از آتش‌بس اعلام‌نشده مدنظر حمایت کرده است. اگر این ادعای مقام سعودی نزدیک به واقعیت باشد، روشن می‌شود که چرا چین به شکل بی‌سابقه‌ای وارد میدان تحولات غرب آسیا و موضوع احیای روابط ایران و عربستان شده است و از آن مهم‌تر چرا ریاض در میانه فشارها به تهران در شش‌ماهه دوم سال جاری شمسی پای توافق با ایران حاضر شد. اگرچه گفت‌وگوها میان ریاض و صنعا با توجه به نبود توافقی رسمی از زمان پایان آتش‌بسی که با میانجیگری سازمان ملل اجرا شد، در سایه آرامشی شکننده انجام می‌شود؛ اما عربستان برخلاف تلاش‌های پیشین این بار سعی دارد که جنگ یمن را به پایان برساند؛ بنابراین از ابتدای سال ۲۰۲۳ به سمت انجام این توافق گام برداشته است.

از همین منظر محمدجواد خلیلی در گفت‌وگویش با «شرق» به این نکته مهم اشاره دارد که همه چیز فعلا روی کاغذ است. از منظر این تحلیلگر جهان عرب، عربستان و ایران منتظر تحولات جنگ یمن هستند. از این منظر به باور خلیلی اگر در دو ماه پیش‌رو که فرجه زمانی مدنظر در توافق سه‌جانبه پکن است، جنگ یمن در نقطه فعلی ثابت بماند یا تنش‌ها تعدیل پیدا کند، زمینه لازم برای عملیاتی‌شدن بندهای توافق بین تهران و ریاض شکل خواهد گرفت.

این کارشناس فعلا همه چیز را موقت و نسبی می‌داند؛ اگرچه به باور او همین توافق هم اقدامی مثبت است که می‌تواند آثار خوبی برای برون‌رفت ایران از وضعیت نامطلوب در سیاست خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته باشد. در مقابل مصطفی میرزایی نگاه متفاوتی دارد و به «شرق» می‌گوید که «احتمالا ایران و عربستان به سمت اجرای توافق و بازگشایی سفارتخانه‌ها پیش خواهند رفت»؛ چراکه او تأکید دارد بعد از اجرای توافق است که ریاض سعی خواهد کرد از توان چانه‌زنی تهران در منطقه برای پایان‌دادن به جنگ یمن و کنترل و مدیریت حوثی‌ها استفاده کند؛ پس از منظر این تحلیلگر مسائل غرب آسیا، توافق در روز جمعه چندان شکننده نیست؛ بلکه گام اول در پایان‌دادن به جنگ یمن محسوب می‌شود.

در همین زمینه یک مقام سازمان ملل متحد که نخواسته نامش فاش شود، در گزارش (۲۷ دی/ ۱۷ ژانویه) آسوشیتدپرس، به این مهم اشاره کرد که «ریاض نقشه راهی را برای پایان جنگ در یمن تدوین کرده که به صورت مرحله‌ای و گام به گام است و مورد تأیید سازمان ملل و آمریکا نیز هست». همچنین یک مقام دولت مستعفی یمن با تأکید بر اینکه شورای ریاستی می‌ترسد که عربستان امتیازات غیرقابل قبولی را به منظور دستیابی به توافق به انصارالله بدهد، درعین‌حال گفت که فعلا باید منتظر نتیجه این مذاکرات بمانیم.

مجموعه این نکات، مصطفی میرزایی را به این نتیجه می‌رساند که آمریکایی‌ها از حضور فعال‌تر چین در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص حاشیه خلیج فارس و موضوع مشخص احیای روابط ایران و عربستان استقبال و در کنار آن با ازسرگیری روابط تهران - ریاض موافقت خواهند کرد. چراکه از نگاه این تحلیلگر، واشنگتن با استفاده از وزن و کارت پکن و بدون صرف هزینه و انرژی دیپلماتیک می‌تواند در سایه امضای این توافق سه‌جانبه، زمینه را برای پایان جنگ یمن و ترسیم مناسبات جدید امنیتی، نظامی و دفاعی در کل منطقه فراهم آورد؛ مناسباتی که به باور محمدجواد خلیلی به افزایش امنیت کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌عنوان متحدان آمریکا منجر می‌شود. البته خلیلی و میرزایی در یک اشتراک نظر به «شرق» از احتمال تقابل پکن و واشنگتن در تحولات بعدی منطقه غرب آسیا و منطقه خلیج فارس می‌گویند؛ اما هم‌زمان بر این باور نیز هستند که چینی‌ها سر تنش و تقابل در خاورمیانه نخواهند داشت و روی نفوذ تجاری و اقتصادی تمرکز می‌کنند.

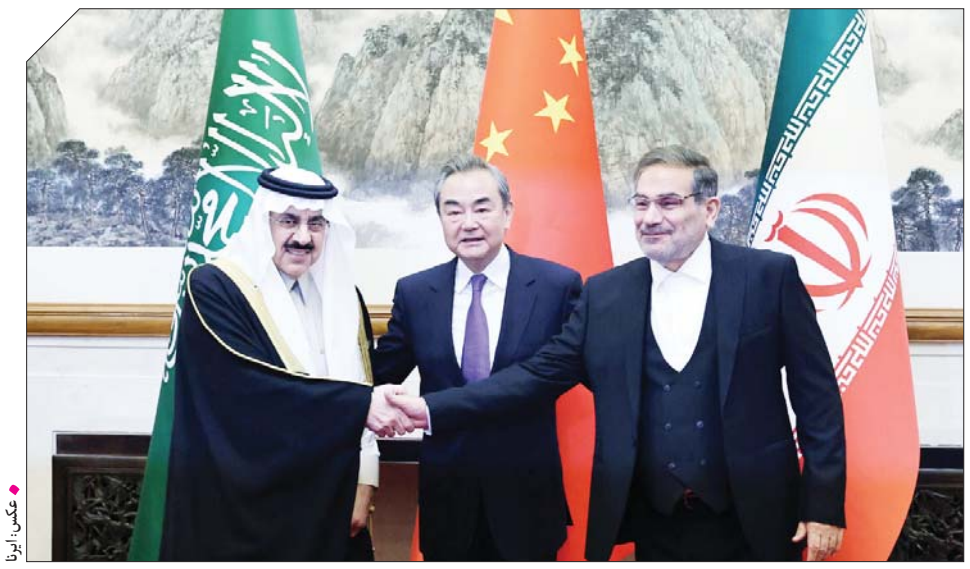

عکس: ایرنا

ریاض به موازات توافق با تهران به فکر عادی‌سازی روابط با تل‌آویو!

در میانه واکنش‌های گسترده به توافق روز جمعه برای ازسرگیری مناسبات ایران و عربستان سعودی، تنها بازیگری که در راستای تقابل با ایران از توافق سه‌جانبه استقبال نکرد، اسرائیل بود. در این راستا نفتالی بنت و یائیر لاپید، نخست‌وزیران پیشین، احیای روابط ایران و عربستان را ضربه مهلکی به سیاست خارجی تل‌آویو دانسته‌اند؛ اما با نگاهی عمیق‌تر به تحولات و تحرکات ریاض در سطح منطقه به نظر می‌رسد که سعودی‌ها اساسا با یک پوست‌اندازی در سیاست خارجی خود به دنبال موازنه قوا و برقراری روابط با همه کشورها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند.

یعنی همان‌گونه که عربستان پیش‌تر با حضور شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در ریاض و موافقت با درخواست روسیه برای کاهش سقف تولید نفت خام در اوپک‌پلاس نیم‌نگاهی به «شرق» دارد، سعی کرده است روابط سیاسی، دیپلماتیک، تجاری، امنیتی، نظامی و دفاعی خود را با غرب و به خصوص آمریکا هم حفظ کند. مشابه همین موازنه قوا امکان دارد درخصوص ایران و اسرائیل تکرار شود؛ اقدامی که امارات متحده عربی آن را عملیاتی کرد و پس از امضای پیمان ابراهیم به تدریج روابط خود با ایران را هم از سر گرفت تا جایی که سفیر خود را به تهران بازگرداند با این هدف که از وزن ایران برای موازنه با اسرائیل و بالعکس نهایت استفاده را ببرد.

البته قبل‌تر و به شکل ظریف‌تر و هوشمندانه‌تری این بالانس توسط عمان اجرا شده بود، کمااینکه به موازات تقویت نقش، نفوذ و جایگاه خود در پرونده‌های دیپلماتیک مانند تلاش برای ازسرگیری روابط ایران و عربستان، میانجیگری در تنش ایران و آمریکا، آزادکردن زندانیان دوتابعیتی، موضوع احیای برجام و ... که حتی دامنه این تحرکات مسقط به احتمال سفر پادشاه عمان به تهران هم رسید، از آن سو عمان (چهارم اسفند/ ۲۳ فوریه)، حریم هوایی خود را روی هواپیماهای اسرائیلی باز کرد. پس هم‌زمان با امضای توافق سه‌جانبه روز جمعه برای برقراری مناسبات با تهران توسط عربستان این احتمال هم وجود دارد که به صورت چراغ‌خاموش، مذاکراتی برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو هم در دستور کار سعودی‌ها باشد. اتفاقا دو روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز و وال‌استریت‌ژورنال جدیدا به این نتیجه مشترک رسیده‌اند که عربستان و آمریکا در حال انجام مذاکراتی پیرامون خواسته ریاض در ازای عادی‌سازی روابط با اسرائیل در چارچوب «توافق‌نامه‌های ابراهیم» در سال ۲۰۲۰ هستند که با کشورهای امارات و بحرین امضا شدند و در ادامه مراکش نیز این توافق‌نامه را امضا کرد. به هر حال باید گفت که بایدن به عادی‌سازی روابط میان عربستان و اسرائیل اهمیت می‌دهد، همان‌طورکه نتانیاهو معتقد است بهبود روابط میان عربستان و اسرائیل می‌تواند به «افزایش امنیت آنها کمک می‌کند. در همین رابطه بایدن جمعه مدعی شد که هرچقدر روابط میان اسرائیل و همسایگان عرب آن بهتر شود، برای همه بهتر است.

این دو روزنامه آمریکایی (نیویورک‌تایمز و وال‌استریت‌ژورنال) به نقل از برخی افراد آگاه در مذاکرات جاری میان ریاض و واشنگتن نوشتند که «عربستان در ازای عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل، خواستار تضمین‌های امنیتی آمریکا برای خود و حمایت از توسعه برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی‌اش است». البته روزنامه وال‌استریت‌ژورنال پیش‌بینی کرد که این دو شرط مانعی در مذاکرات امضای توافق‌نامه باقی بماند چراکه برخی نمایندگان آمریکایی احتمالا با آن مخالفت می‌کنند و یکی از دلایلش این است که این نوع توافق موجب افزایش تنش با ایران می‌شود.

با این حال به گفته منابع وال‌استریت‌ژورنال، موضوع فلسطین اهمیتی در شروط مقامات سعودی نداشته و آنها آن را موضوع اصلی نمی‌دانند. کمااینکه جون هانا، مشاور سابق امنیت ملی دیک چینی، معاون رئیس‌جمهور سابق در همین باره اذعان کرد که بررسی مسئله فلسطین بسیار حاشیه‌ای بود. این روزنامه آمریکایی در ادامه به نقل از دنیل شاپیرو، سفیر سابق آمریکا در اراضی اشغالی نوشت، «عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و عربستان تسهیل آن در راستای منافع سه طرف خواهد بود، اما این به معنای آن نیست که تحقق آن آسان خواهد بود».

روزنامه نیویورک‌تایمز نیز به نقل از مارتین اندیک، سفیر آمریکا در اراضی اشغالی در دوره ریاست‌جمهوری بیل کلینتون نوشت که «بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل واقعا این توافق‌نامه را می‌خواهد و این توافق تنها با حمایت بایدن ممکن است و بایدن در تلاش است نتانیاهو را متقاعد کند که اگر تل‌آویو اجازه دهد اوضاع در کرانه باختری و قدس شرقی به هم بریزد، این توافق با سعودی‌ها هرگز به دست نخواهد آمد».

اندیک همچنین تأکید کرد که بایدن معتقد است «توافق اسرائیل-عربستان در راستای منافع آمریکا در مهار نفوذ ایران خواهد بود». وال‌استریت‌ژورنال در ادامه نوشت: «یکی از دلایل دشواری حصول این توافق که مذاکرات بسیار جدی برای امضای آن در دست انجام هستند، این است که می‌تواند فضای سیاسی خاورمیانه را تغییر دهد چراکه به سایر کشورهای آن که غالبا رویکرد اسلامی دارند چراغ سبزی برای قدم‌گذاشتن در این راه نشان می‌دهد و این امر روند تشکیل یک ائتلاف نظامی منطقه‌ای در مقابل ایران را سرعت خواهد بخشید».

با وجود دشواربودن روند مذاکرات، این روزنامه آمریکایی به نقل از برخی مقامات آمریکایی، اسرائیلی و سعودی نوشت: «حصول چنین توافقی ممکن است به منزله پیروزی برای جو بایدن، سران عربستان و بنیامین نتانیاهو باشد». از آن سو به نوشته نیویورک‌تایمز، مذاکرات از طرف آمریکا توسط برت مک‌گورک، هماهنگ‌کننده شورای امنیت ملی شمال آفریقا و خاورمیانه و نیز آموس هوکشتاین، معاون ارشد بایدن در امور انرژی که سال گذشته در توافق موسوم به «کاریش» بین لبنان و اسرائیل برای تعیین مرزهای دریایی میانجی بود، هدایت می‌شود.

اما این روزنامه به نقل از برخی منابع آگاه نوشت، از طرف عربستان، محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی نقش مستقیمی در مذاکرات دارد، اما مذاکره‌کننده ارشد ریما، دختر بندر آل سعود، سفیر عربستان در آمریکاست. طبق اظهارات منابع این روزنامه آمریکایی، مسئولان سعودی در پایان سال گذشته میلادی با کارشناسانی در مؤسسه سیاست‌های خاور نزدیک در واشنگتن، پژوهشکده حامی رژیم صهیونیستی، رایزنی کردند. به نوشته این دو روزنامه آمریکایی، شرط اصلی ریاض در مذاکرات حمایت آمریکا از غنی‌سازی اورانیوم در پروژه هسته‌ای عربستان و پشتیبانی از آن است تا بتواند سیستم تولید سوخت هسته‌ای خود را داشته باشد و همین مسئله آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها را نگران کرده چراکه احتمال دارد روزی این سیستم به ساخت سلاح هسته‌ای توسط عربستان رسیده و موجب آغاز مسابقه تسلیحاتی با ایران شود.

یوئیل گوزانسکی، پژوهشگر ویژه روابط عربستان و رژیم صهیونیستی در مؤسسه امنیت ملی (که دفتر آن در تل‌آویو قرار دارد) گفت، «شرط هسته‌ای چالش بزرگ‌تری برای اسرائیل است تا حدی که این سؤال ایجاد می‌شود که آیا صلح با عربستان ارزش این ریسک را دارد». برخی منابع آگاه نیز جمعه به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفتند که عربستان به دنبال گرفتن تضمین‌های امنیتی از آمریکا و حمایت آن از برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود به عنوان شرط عادی‌سازی روابط با اسرائیل و گرفتن تصمیمی نهایی در این خصوص است که می‌تواند شرایط سیاسی خاورمیانه را تغییر دهد.

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا از تأیید این مسئله که عربستان برای گرفتن تضمین‌های امنیتی از آمریکا تلاش می‌کند، آن‌گونه که روزنامه وال‌استریت‌ژورنال خبر داده، خودداری کرد. جان کربی، هماهنگ‌کننده رایزنی‌های استراتژیک در شورای امنیت ملی از دستاوردهای بایدن در سفر تابستان خود به اراضی اشغالی و عربستان سخن گفت. کربی مدعی شد: «سفر رئیس‌جمهور به منطقه دستاوردهای زیادی داشت و ما از تداوم این دیپلماسی حفاظت خواهیم کرد». وزارت خارجه آمریکا از درخواست سی‌ان‌ان برای ارائه توضیحات در این خصوص خودداری کرد و سفارت اسرائیل هم در واشنگتن در این خصوص اظهارنظری نداشته است.

در سایه آنچه گفته شد، علی براتی در گفت‌وگو با «شرق» این احتمال را مطرح می‌کند که اسرائیل یا طی هفته‌ها و ماه‌های پیش‌رو تمام تلاش خود برای توقف و ایجاد اختلال در عملیاتی‌کردن توافق سه‌جانبه پکن به کار خواهد بست یا به زعم این کارشناس در صورت عدم موفقیت اسرائیل، نتانیاهو تلاش مضاعفی را به کار خواهد بست که عربستان سعودی را هم به پیمان ابراهیم ملحق کند با این هدف که به یک توازن دست پیدا کند.

این کارشناس در ادامه روی نکته مهمی دست می‌گذارد و این هشدار را می‌دهد که اگرچه در دوره نفتالی بنت و یائیر لاپید و همچنین در دوره اخیر با روی کار آمدن بنیامین نتانیاهو تلاش‌های جدی برای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی از سوی اسرائیل در دستور کار بود، اما با توافق روز جمعه بدون شک دور این تلاش‌های تل‌آویو به شکل جدی افزایش خواهد یافت. از این رو براتی تأکید دارد که نمی‌توان گفت عربستان قید عادی‌سازی روابط با اسرائیل را بعد از توافق با ایران زده است، چراکه از نگاه این تحلیلگر مسائل اسرائیل، اساسا کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به سمت یک پوست‌اندازی دیپلماتیک پیش رفته‌اند تا نسخه‌ای مشابه با عمان را در مناسبات دیپلماتیک خود اجرائی کنند؛ یعنی به موازات روابط حسنه با قدرت مهم و تعیین‌کننده ایران، به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل هم پیش بروند.